

ایوب آقاخانی در گفت وگو با «ایران» از دغدغه های تئاتری اش می گوید

حرفه ای اما شکننده ایم

محسن بوالحسنی / خبرنگار: ایوب آقاخانی، نمایشنامه نویس،

کارگردان و بازیگر تئاتر و مدرس دانشگاه که در حوزه بازیگری و نیز در دنیای تصویر هم فعال است، می گوید: «تئاتر ایران و اساساً جامعه ایرانی اثبات کرده که هیچ وقت بدون یک شوک شروع به حرکت جدی ای نمی کند و کرونا در نقش این شوک به ما فهماند که چه میزان در فضای حرفه ای تئاتر و حرفه تئاتر شکننده ایم.» بیماری ای که در تمام دنیا نقش یک بحران تمام عیار را بازی کرد، بحرانی که نه یک روز و دو روز، که تا همین امروز هم، اگر چه کم و کمتر اما تمام عرصه ها و بسترهای زیست بشری را در نوردید. همین بשרی که برای گریز و

بهره مند از امکاناتی نامعقول و... بودند و از سر هوی و هوس و گرفتن عکس هایی نفیس تر از پیش به یادگار، شعبه ای هم در تئاتر برپا کرده بودند و کرونا، با سرعتی بسیار زیاد این افراد «ناسالم» به معنای افرادی با «خواسته ها و آرمان های بی اصلت» را از تئاتر تاراند. بسیاری از بنگاه داران که می توانستند به کار معاملات املاک و مستغلات بپردازند وارد تئاتر شده بودند و با داعیه تئاتر خصوصی به تجارت ناسالم شان مشروعبت می بخشیدند و

تکلیوبی می کردند که کرونا با آمدنش به آنها فهماند هر کاری را نمی شود هرچایی انجام داد و ناگزیرشان کرد رخت خود را جمع کنند و به جایی که مناسب شان است بروند. اینها برای من خوشحال کننده است اما در حجم ناراحتی ها و گرفتاری هایی که برای مان ایجاد کرد، کم و قایم شد. آن قدر که خانواده تئاتر خسارت دید، آن قدر که شکننده های تئاتر، شکستند و آن قدر که از خانواده صمیمی بی چشمداشت و سریه نوی تئاتر اخبای ناگوار شنیدم، خوشی ها و شیرینی های کوچک و مختصری که در موردشان صحبت کردم کاملاً در ذهنم رنگ باخت و هرچه ماند تلخی بود و درد همکاران و هم خانواده هایم که بابت آن متاسف و رنجورم. به هر صورت در یک نگاه تحلیلی کرونا برای تئاتر ایران خالی از فایده نبود اما در یک سنجش آماری مضراتش بسیار بیش از محاسنش بود.

یکی از اتفاقاتی که در روزهای بحرانی به صورت آزمون و خطا، در حوزه تئاتر شکل گرفت، رفتن به سمت امری به نام «تئاتر آنلاین» بود. اتفاقی که از صفحات مجازی اهالی تئاتر آغاز شد و رفته رفته شکل جدی تری به خود گرفت و حتی با این ادعا که «برگزرا کنندگان برخی از این رویدادها خواهان مشارکت، حمایت و مشورت از سوی اداره کل هنرهای نمایشی هستند» پای «مسئول بررسی و پیگیری

فعالیت های نمایشی در فضای مجازی» به آن باز شد. این تجربیات را می توان از آن دست شمرد که ممکن است هستی شناسی تئاتر را درگیر تغییراتی کند؟ اگر گمان می کنید اینترنت و استفاده از توان و امکانات آن در ایران، مشخص و روشن است پس می توانید به دنبال تعریف

فقط در حال استفاده از اینترنت هستیم. بگردید. من معتقدم اینترنت همچنان برای ما توأم با پاره ای از شگفتی هاست و برخوردمان با آن برخوردی نه چندان قابل دفاع و همراه با شگفت زدگی و میزانی از توکیسه بودن است. تا زمانی که چنین باوری دارم نمی توانم باور داشته باشم تئاتری که برآمده از چنین بستری است تئاتری درست است یا تئاتری است که عنوان و تعریفش به درستی قابل دفاع است. صحبت از تئاتر آنلاین است. تئاتر آنلاین چیست؟ آیا تئاتر آنلاین، تئاتری است که از طریق خطوط اینترنتی به مخاطب می رسد؟ چون درک ما در ایران، فعلاً و حتی با توجه به تجربه، چیزی جز این نیست. اگر اینگونه است، چه خاصیت و چه لطفی دارد و چه امکانی در اختیار من می گذارد که بتوانم در مورد آن حرفی جدی بزنم؟ پس بدیهی است که آنچه گمان می کنیم تعریف تئاتر آنلاین است، تعریف تئاتر آنلاین نیست. تئاتر آنلاین می بایست در گام اول بتواند تمام مافیها و تمام داشته های تئاتر را به خود منتقل کند و بعد در مورد اینکه تا چه اندازه می توان این نام را برای آن مشروع جدی دانست، صحبت کرد.

تمام مافیها و تمام داشته های تئاتر یعنی چه؟ تئاتر چیست؟ رخداد نمایشی در پیشگاه تماشاگر مشتاق در فضایی ایزوله که حفظ تمرکز را تضمین می کند و بعد، نفس اجراگر در نفس تماشاگر گره می خورد و تجربه ای متمایز از سینما را فراهم می آورد. این، شامل آیین (ceremony) خرید بلیت، آماده کردن ذهن و جان برای دیدن تئاتر و بعد فرایند مواجهه با تئاتر است. چه میزان از تئاتری که از خطوط اینترنتی به مخاطب منتقل می شود، این را تأمین کرده است؟ کدام مورد آن را تأمین کرده است؟ هرگاه تئاتر توانست تمام آیین فرهنگی خود را، تمام مقدمات، مقتضیات و تمایلات خود را از طریق جاری شدن در فضای آنلاین، اینترنت و برخط بودن تأمین کند می توانیم بگوییم بله، این اتفاق افتاده و همه آنچه می خواستیم، در فضایی شبه مجازی شکل گرفته و درست است. ما اکنون نمی توانیم چنین چیزی بگوییم. ما

مواجه شده است که طبیعتاً نه او را سپیر و نه علاقه مندتر به غذای موردعلاقه اش می کند و نه باعث می شود او بار دیگر دوست داشته باشد پایش را به آن رستوران بگذارد و تنها او را با موج اعلام نشده ای یکی است؟ این وضعیت مانند این می ماند که کسی در رستوران نشسته، تقاضای غذایی کرده و سفارش داده است و بعد تلنتی برایش می آورند و می گویند بفرمایید، این غذایان، می توانید در تلبت مشاهده اش کنید! در واقع آن کسی که به رستوران رفته و به هوای خوردن آن غذا و به انواع واقسام دلایل، خود را متقاعد کرده است که در فرایند تقاضا، پذیرش و به انواع واقسام دلایل، خود را متقاعد می کنند، نتیجه عملکردشان را بررسی می کنند. متأسفانه مجموع سوءتفاهم ها دور هم جمع شده اند و یک بار دیگر چیزی

http://irannewspaper.ir
 editorial@irannewspaper.ir



جنسی از منفعت طلبی بود که عملاً ما را از رسیدن به تعریف تئاتر آنلاین، آنگونه که می توانست نجات بخش احتمالی مان باشد دور و دورتر کرد.

می دانم از جمله نویسندگان ایرانی بودید که پای کرونا را به جهان نمایشنامه بازگردید....

بله، در نوشتن این نمایشنامه تمام تلاشم بر این اصل معطوف بود که از نگاه هیجانی، کلیشه ای و شعاری دوران پاندمی دور باشم چون دوست ندارم برخوردی شتابزده با این پدیده در کارم دیده شود. در ساختار اغلب آثاری که در این مدت درباره کرونا نوشته شد رنگ و بوی احساسات و شتابزدگی به چشم می خورد. آثاری که شباهت زیادی به نمایشنامه های جنگی که در دوران ۸ سال دفاع مقدس نوشته شده بود داشت و فاقد تکره های تحلیلی بود. من تمام تلاشم را در نوشتن متن برای این نکته مهم معطوف کردم که کار متفاوتی، بدون تاریخ مصرف و برای نسل آینده به عنوان یک سند معتبر قابل رجوع باشد. نام این نمایشنامه «۱۹۹۹» است که به این شیوه خوانده می شود: «نوزده نودونه» و اشاره ای به زمان ورود کرونا که به آغاز سال ۹۹ برمی گردد و عنوان این ویروس که کووید ۱۹ است، دارد. به سنت برخی از نمایشنامه هایم که کم تعدادتر هستند، تلفیقی از تجرید، روایت رئالیستی و گروتسکی جذاب درباره زوجی است که اولین سالگرد ازدواج شان با ورود کرونا در نوزده سال ۹۹ همزمان شده است.

نگاهی به نمایش «رگ» به کارگردانی ایوب آقاخانی

ستایش سربازان ارس



نیم نگاه

احضار آبرئانسان های اسطوره ای و الگوهای تاریخی و بازتعریف وقایعی که در اثر مرور زمان مشمول فراموشی شده اند می تواند به کنشگری اجتماعی و مسئولیت ورزی مخاطب بینجامد. به همین اعتبار، تئاتر، با مستمسک قرار دادن اتفاقاتی که با ارزش های انسانی و فضائل شهروندی آمیخته اند، ضامن بقای تاریخ و اثربخشی آن در عصر خویش می باشد. اکثفا

نکردن به احیای اموات و شبهه سازی وضعیت و موقعیت زمانی می تواند به خلق جهانی دیگر در جهنم گم گشتگی های بشری و فروپاشی هویت های فردی و جمعی کمک کند. جهان مستخرجی که دلایل محکمی برای اثبات فلسفه آزادی و اخلاق دارد. «ایوب آقاخانی» در نمایش «رگ» راوی قصه دلآورمردی مرزبانانی است که تا آخرین گلوله و واپسین نفس عقب نشنستند و با آگاهی از سرنوشت خویش، «مرزبان» آرس باقی ماندند. مقاومتی چنان ناباورانه که فرمانده ارتش متجاوز را نیز به تعظیم و تحسین سربازان شهید وامی دارد. «رگ» تلاش شناسنامه داری است که خطر را اندیشیده و خیزش روانی خود را به انرژی حرکتی تئاتر و تئوری تزریق تحول در کالبد فردی و گروهی جامعه پیوند می زند. اگرچه مرگ، همچون پایان پیکار گلادیاورها در این نمایش قابل پیش بینی است اما آقاخانی با به هم زدن آداب و عادات و تشریفات نظامی و دگرگون کردن روابط حاکم بر ساختارهای منقبض امری، به جای لذت آفرینی از تماشای خشونت، مخاطب خود را به رهایی از چهارچوب های حاکم و پذیرش اصل تقدم دیدگان بر خویش سفارش می کند. در این متن با تمرکز بر تصمیم ناباورانه افسر موفق که اوامر ابلاغی را نادیده می گیرد به تقسیمات متداولی همچون طبقات فرادست و فرودست اعتراض می شود و می هیچ توضیح و تصریح حشوی، از خشونت غایی قصه، لذت اندیشیدن و شادی تغییر را به مخاطب ارزانی می دارد. این معنویت پراکنده در



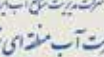
ایران تئاتر

افراد و اجزای صحنه با روایت خوانی سربازی که شیفته و شگفت زده در اوضاع صحنه می چرخد و از پس هفتاد و هشت سال بعد فریاد می زند «رگ که بچند داستان عوض می شود؛ همیشه همین است و همین بوده. رگ که بچند حتی سه سرباز بی نام هم می توانند تاریخ بسازند؛ رگ که بچند عشق آغاز می شود، وطن معشوق می شود و ماشه چکانده می شود و پرچم افراشته می ماند.»

این صحنه از نمایش رگ که با بارش نامه هایی از فراز بل بر مرز ارس به پایان می رسد می تواند علامت پیروزی رگ جنبانی باشد که نه نامه های فرورفته شده از هوایماهای روسی توانست در تصمیمش خللی وارد کند و نه رادیوی فارسی زبان بی بی سی که با بزرگنمایی حرکت لشکر روس در شمال می خواست تمرکز توجه نظامی را از مرزهای جنوب کاهش دهد. این نمایش به دنبال بزرگنمایی کاذب و روایت هیجانی ماجرا و قهرمان سازی نیست و بیشتر از آنکه به جست و جوی رگ خواب مخاطب خود باشد به فکر رگ غیرتی است که به کار این روزگار نیز بیاید. «رگ» متولد اندیشه ای است که می خواهد امروز را به فردا برساند.



شرکت آب منطقه ای تهران



اطلاعیه ممنوعیت شنا و ورود به حریم و بستر رودخانه ها و تاسیسات آبی

همه ساله با شروع فصل گرم، برخی از شهروندان بدون توجه به **علامت هشدار دهنده** و اطلاعیه های مکرر این شرکت، مبادرت به اتراق در بستر و حریم رودخانه ها، مسیل ها، انهار و شنا در دریاچه سدهای لتیان، لار، ماملو، نمرو، امیرکبیر (کرج)، طالقان و دریاچه تار، هویر و بندهای انحرافی، حوضچه های تغذیه مصنوعی، کانال های آبیاری و زهکشی کرج و شهرستان های استان تهران و کلیه رودخانه ها (دائمی، فصلی) و تاسیسات جانبی آن می نمایند که این سهل انگاری موجب **غرق شدگی، فوت و خسارات جانی و مالی** می گردد.

شرکت آب منطقه ای تهران تاکید دارد که بستر و حریم رودخانه ها و مسیل ها محل گذر سیلاب بوده و لغزندگی حاشیه مخازن سدها و بندهای انحرافی، مکش جریان آب و شرایط رسوبی کف این مخازن خطر مرگ را برای شناگران و ماهی گیران به همراه دارد. لازم به ذکر است، هدف از ایجاد تاسیسات مذکور که دارای حریم قانونی می باشند تأمین آب شرب سالم و کشاورزی است، **لذا ورود به حریم تاسیسات و شنا در آن ممنوع می باشد.**

بنابراین به شهروندان توصیه و تاکید می شود که تذکرات مأموران را جدی گرفته و به علائم، تابلوها و اطلاعیه های هشدار دهنده توجه کنند تا شاهد حوادث تلخ و جبران ناپذیر حاصل از عدم رعایت نکات ایمنی نباشیم. بدیهی است این شرکت و واحد های تابعه در صورت بروز هر گونه حادثه ای در مناطق مورد اشاره، هیچ گونه مسوولیتی به عهده نخواهند داشت.

روابط عمومی

فاجعه نابودی آب های زیرزمین یک حقیقت تلخ است